

ہمشہری



نہر جلو تر انہر ہمبری می مرھا می
نہر عقب می مانہر



ولایت - پنہری

پاسخ به همه شبهات مذاکره

غیرمستقیم

یک شبهه این روزها در میان بخشی از جریان انقلابی مطرح می‌شود و آن اینکه مذاکره مستقیم یا غیرمستقیم فرقی ندارد و عبور از تذکر رهبر انقلاب است. استدلال‌شان هم این است که مذاکره در هر نوعش بی‌ثمر است. بیایید درباره این شبهه چند نکته ساده را مرور کنیم.

اول خبر مذاکره غیرمستقیم را ترامپ اعلام کرد. خبر دروغ بود. اما چرا؟ این خبر دروغ برای آنها چه آورده‌ای دارد؟ عراقی اعلام کرد مذاکره ما حتما غیرمستقیم است. بلافاصله رسانه‌ها خبر دادند که وزارت خارجه آمریکا اعلام کرده است که اگر مذاکره غیرمستقیم باشد شرکت نمی‌کنند.

نکته شفاف این است که پس برای آمریکایی‌ها بین مذاکره مستقیم و غیرمستقیم تفاوت است. اما چرا؟

دوم به نظر شما چرا رهبر انقلاب با مذاکره مخالف هستند؟ این مذاکره چیست که امام و رهبر انقلاب با آن مخالف بوده و هستند؟ مذاکره مگر غیر از گفت‌وگو است؟ خب ۲ نفر آدم پشت میز می‌نشینند و با هم حرف می‌زنند. در انتها فرض کنیم شما مخالف باشید و مذاکره را ترک کنید. غیر از این است؟ پس چرا باید با اصل مذاکره مخالفت شود تا آنجا که رهبر انقلاب برای مذاکره برجام که هدفش تجربه جامعه بود بگویند نرمش قهرمانانه. اگر پاسخ به این سؤال روشن شود متوجه می‌شویم که بین مذاکره مستقیم و غیرمستقیم تفاوت است. اساسا پیام مذاکره غیرمستقیم غیر از مذاکره مستقیم است و این تفاوت را غربی‌ها و آمریکایی‌ها خوب فهمیده‌اند هر چند برخی در داخل متوجه آن نیستند.

واقعیت این است که وقتی سخن از مذاکره می‌شود منظور یک مذاکره با قواعد دیپلماتیک است نه هر سلام و علیکی. چه بسا ممکن است یک مسئول ایرانی یک مسئول آمریکایی را ببینند و باهم دست و سلام و علیک کنند و اسمش قاعدتا مذاکره نیست.

مذاکره دیپلماتیک معنایی غیر از یک گفت‌وگوی ساده دارد

مذاکره خودش به تنهایی مهم نیست آنچه اهمیت دارد پیامی است که به جامعه بین‌الملل منتقل می‌شود. به همین دلیل است که برخی به پیاده‌روی و خنده‌های ظریف و جان‌کری انتقاد داشتند. مهم راه رفتن و خنده نیست. چه بسا در آن پیاده‌روی و خنده حرفی خلاف مواضع جمهوری اسلامی نرزد باشند اما مهم پیامی است که در فرامتن آن ایجاد می‌شود.

مذاکره مستقیم پیامش حسن نیت و اعتماد طرفین است

این غیر از نتیجه‌بخش بودن یا نبودن مذاکره است. آنچه غیر منطقی و غیر شرافتمندانه و غیر هوشمندانه است این است که به تجربه گذشته اعتنا نکنیم و با کسی که چهل و اندی سال خلف عهد کرده است مجدد اعتماد کنیم و به او حسن ظن داشته باشیم. ممکن است بگویید مگر هر نشستی یعنی اعتماد؟ خیر. اما پیامی که از مذاکره مستقیم صادر می‌شود صرفا مطابق نیت ما نیست. پیام فرامتن یعنی اعتماد. این دست پیام‌ها هویت یک جامعه را نابود می‌کنند. گویی خفت و ذلت را پذیرفتید ولو اینکه در عمل نپذیرفته باشید. این امامان جامعه و نخبگان دلسوز کشور از مذاکره عبور می‌کنند به دلیل پیامی است که صادر می‌شود نه بی‌اطمینانی به مذاکره‌کننده داخلی یا بد بودن حرف زدن و کنار هم نشستن.

به همین دلیل است که آمریکایی‌ها اصرار دارند تا این مذاکره مستقیم باشند. خود تصویر مذاکره مستقیم برای آنها آورده دارد. ترامپ دیروز گفت کشورها باسن مرا می‌بوسند برای مذاکره. دقت دارید در حال ساخت چه تصویری از مذاکره است؟ پس ماجرا را ساده‌سازی نکنیم به یک میز و دو تا صندلی در یک اتاق.

حالا چرا با مذاکره غیرمستقیم موافقت شد؟

تا دوگانه توهمی ساخته شده ترامپ در جنگ یا مذاکره شکسته شود. تا برخی نگویند مذاکره چه ایرادی دارد وقتی می‌شود سایه تهدید را از کشور عبور دهیم. اینجا است که جمهوری اسلامی تدبیر به خرج داده است. آمریکا اگر بخواد حسن نیتش

اول خوب است صحنه را دوباره مرور کنیم.

● اسرائیل تمام سطوح امنیتی‌اش در عملیات هفت گنبدشکست خورد. این شکست تاریخی دست برتر نیروهای مقاومت را در مبارزه امنیتی تثبیت کرد که قابل از بین رفتن نیست.

● اسرائیل تمامی خطوط و لایه‌های دفاعی خودش و آمریکا و اروپا، در عملیات وعده صادق یک و خصوصاً گنبدشکست خورد. این اقتدار نظامی ایران را ثابت می‌کند.

● اساسا اینکه در میانه جنگ منطقه‌ای‌شان روی قدرت هسته‌ای ایران متمرکز شدند نشان از اقتدار ایران در این ساخت و ساز است و اثر او در این جنگ دارد.

● آمریکا و اسرائیل از ابتدا اعلام کردند راسا اختاپوس در منطقه ایران است. آنها نقش اصلی ایران در قدرت مقاومت را نمی‌توانند کتمان کنند.

● تن دادن اسرائیل به آتش‌بس با لبنان و عدم توانایی اشغال خاک و ناامنی و خالی بودن شمال اسرائیل تا امروز نشان از قدرت حزب‌الله دارد.

● تغییر ادعاهای ترامپ از پیش شرط برای ایران و خلع سلاح ایران و محدودیت‌های منطقه‌ای و تهدید ایران به دلیل عملیات‌های پهن و امثالهم به اکتفا به بازگشت به حدود برجام نشان از قدرت ایران دارد. تازه ایران به او اجازه گفت‌وگوی مستقیم را هم به دلیل بی‌اعتمادی نداد.

● قصه سوریه نیز به تعبیر رهبری ضعیف شدن ایران نبود. چرا که اولان نیروهای مقاومت سوری در حال مشکل شدن هستند و ضربات دشمن نشان از حضور آنها دارد. ثانیاً ایران در سوریه حضور خود را دارد.

● رهبری در آخرین اظهار نظر خود درباره وضعیت قدرت ایران در منطقه گفت در بسیاری از ساخت‌ها قوی‌تریم در نطقه نیز ضعیف‌تر نیستیم. نگاه سطحی و ناقص است که ضعف می‌فهمد.

● دلیل مذاکرات ضعف ایران نیست. ترس هم که به وضعیت ابعانی مردم و رهبریشان که در روز قدس ضعف و ترس فرستاده شود چرا که ایران زیر بار مذاکره مستقیم هم ترفت.

● دلیل مذاکرات ضعف ایران نیست. ترس هم که به وضعیت ابعانی مردم و رهبریشان که در روز قدس ضعف و ترس فرستاده شود چرا که ایران زیر بار مذاکره مستقیم هم ترفت.

● دلیل مذاکرات ضعف ایران نیست. ترس هم که به وضعیت ابعانی مردم و رهبریشان که در روز قدس ضعف و ترس فرستاده شود چرا که ایران زیر بار مذاکره مستقیم هم ترفت.



مذاکره مستقیم با غیرمستقیم

چه تفاوتی دارد؟

- 1 مذاکره غیرمستقیم ۲ صورت دارد
- 1 طرفین مذاکره در دو مکان جداگانه هستند و واسطه، حرف‌های طرفین را تبادل می‌کند
- 2 در یک مکان هستند و باز واسطه، بیانات را منتقل می‌کند.
- 3 در یک مکان هستند و به جهت سیاسی، پیشنهاددهنده مذاکره غیرمستقیم، طرف دیگر را تحقیر کرده است.
- 4 در یک مکان هستند و به جهت سیاسی، پیشنهاددهنده مذاکره غیرمستقیم، طرف دیگر را تحقیر کرده است.

در رمز دروغ ترامپ مبنی بر مذاکره مستقیم با ایران را می‌توان فهمید.

آیا با وجود توهین‌ها، تحقیرها و تهدیدهای ترامپ مذاکره با او خلاف عزت نیست؟

نوع مقابله ایران حافظ عزت خواهد بود

● شکل مذاکرات غیرمستقیم، اشاره به غیراعتماد بودن ترامپ و آمریکا است و این به نوعی تحقیر آمریکا و عزت ایران را القاء می‌کند.

● آمریکا برای رسیدن به مذاکرات مستقیم ناچار است دست از تهدیدها و تحقیرها و فشارهای خود بردارد و به شرایط ایران برای مذاکرات مستقیم تن دهد و الا خودش با دست خودش راه مذاکرات را بسته است و این عین عزت ایران نزد افکار جهانی است.

قابل اعتماد نبودن ترامپ بسیار واضح است

ترامپ بارها اظهارات توهین آمیز و تهدیدآمیز علیه ایران مطرح کرد.

ترامپ ایران را به «نیروی عظیم و نابودکننده» تهدید کرد

ترامپ در واکنش به سخنان مقامات ایرانی، آنها را «شانان و توهین آمیز» خطاب کرد.

خروج یکجانبه آمریکا از توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ (برجام) و اعمال سیاست «فشار حداکثری» علیه ایران، در دوره قبلی ترامپ اتفاق افتاد



آیا مسئولان دولت و بخش‌های نظام، رهبری را در تنگنا قرار داده و ایشان را مجبور کرده‌اند؟

- 1 رهبری در سخنان اخیرشان با دانشجویان هجمه به مسئولان و ایجاد بی‌اعتمادی به آنها را شدیدا تنبیح کردند.
- هم ابتدای سخنرانی و هم در انتها و پر تأکید به آن اشاره کردند.
- سخن ایشان این بود که مسئولان، «دلبستگی، وابستگی، عشق و آمادگی‌شان به انقلاب» کمتر از ما نیست.
- آنها را نمی‌شود متهم کرد.
- شما هم جای آنها بودید همین کار را انجام می‌دادید؛ متهم نکنید افراد را.
- احتمال یک محاسبه درست را همیشه بدهید، که ممکن است پشت این تصمیم‌گیری یک محاسبه درست واقعی‌ای وجود داشته باشد.

● ایشان گفتند از من می‌پرسند «در وضع جنگی و معارضه دشمنان چطور نقد کنیم؟ طرح سؤال و ابهام خوب است اما گاهی طرف فرصت و امکان جواب دادن ندارد در اینطور موارد حتی ابهام را هم مطرح نکنید. فرضیات احتمالی را مسلم نزنند.»

● رهبری مسئول جهت‌گیری و حرکت کلی نظام است. خطاهای مسئولان تا جایی تحمل می‌شود که جهت‌گیری کلی نظام را تحت تأثیر قرار ندهد.

● استدلال رهبری بر پایه مصلحت کل نظام است نه مسئولان. مثلا در ماجرای برجام رهبری به اصرار همه مسئولان بر مذاکره اشاره کردند اما دلیل اصلی که ایشان راضی به مذاکره شدند را تجربه مردم و رشد ظرفیت فکری مردم دانستند.

- «بعضی از مسئولان و دولتمردان - دولتمردان آن دولت، بعد هم دولتمردان این دولت - فکر می‌کنند در قضیه هسته‌ای ما با آمریکایی‌ها مذاکره کنیم [تا] موضوع حل بشود؛ گفتیم خیلی خوب، اصرار دارند شما، در این موضوع بخصوص بروید مذاکره کنید؛ ولی در همان سخنرانی اول امسال گفتیم من خوش بین نیستم؛ مخالفتی نمی‌کنم اما خوش بین نیستم.» (۹۲.۱.۲۸)
- «بنده هم اول امسال در مشهد مقدس در سخنرانی گفتیم [که] مذاکره در موضوعات خاص اشکالی ندارد؛ منتها گفتیم من اعتماد ندارم، خوش بین نیستم به مذاکره، لکن می‌خواهند مذاکره کنند، بکنند؛ ما هم به اذن الله ضرری نمی‌کنیم. یک تجربه‌ای در اختیار ملت ایران است - که حالا من مختصرا عرض خواهم کرد - این تجربه ظرفیت فکری ملت ما را بالا خواهد برد؛ مثل تجربه‌ای که در سال ۸۲ و ۸۳ در زمینه تعلیق غنی‌سازی انجام گرفت» (۹۲.۸.۱۲)

واقعیت آن است که محاسبه رهبری بر اساس مصالح مربوط به کل نظام است و الا مثلا ایشان در ماجرای فتنه ۸۸ یا اینکه بسیاری از مسئولان بالای نظام فشار می‌آوردند که ایشان زیر بار ابطال انتخابات بروند، ایشان حاضر نشدند قانون و اراده عمومی مردم را نادیده بینگارند.

● خوب است با تحلیل همدلانه صحنه تلاش کنیم استدلال‌های معقول بر یک تصمیم را بنابینیم. مثلا چرا ایران اصرار بر غیرمستقیم بودن مذاکرات دارد؟ آیا مسئله به نکته‌ای غیر از رفع تحریم بر نمی‌گردد؟ به نظر می‌رسد ایران بازی ترامپ برای فشار خارجی و داخلی به ایران را با تدبیر در حال پاسخ دادن است.